

یک شانه گل برنامه شماره ۲۹۵ (حکایت کلفت) الهه، آهنگ: بدیعی، ترانه: معینی کرمانشاهی، چهارگاه

کوبنده خانم ازادیو:

یک شانه گل برنامه شماره ۲۹۵

ارکستر گهما سراسر آهنگی را در چهارگاه آغاز می کند.

آذرشوش: (شعر از صباحی بیدگی)

برزین کوی جانان نقش پای تازه ای است کوفی آن ناآشنا را شنای تازه ای است
کیست می دانی صباحی گلستان عشق را داستان کمنه را داستان سرای تازه ای است

دویتی که شنیدید از صباحی بیدگی است که در نهضت بازگشت از بک هندو به شیوه متدین
سهمی پراج دارد. صباحی بیدگی از سراینندگان نام قرن دوازدهم است و دارای ایاتی بارقت
سادگی و روانی و لطف خاص.

استاد بدیعی به همراه آقای نجابی، بخشی از آهنگ ترانه را اجرا می کنند.

ادامه دکلمه:

گنڈشت بر کلی که دلم یاد او نکرد	در خون من که بود که دستی فرو نکرد
زخم تو هر که دید ز مرهم کناره جست	در تو هر که یافت دوا آرزو نکرد
ز خساره مراد و رخ آرزو نید	بر آستان میکرده هر کس که رو نکرد

بهنرمندان مجدد آهنگ ترانه را اجرا می کنند و پس آقای نجابی اندکی تک نوازی می کند.

ادامه دکلمه:

نالم همه دم که همدی نیست مرا
غیر از غم بی کسی غمی نیست مرا
کویم غم خوش با که غیر از دل خوش
چون جز دل خوش محرمی نیست مرا

آقای بدیع بازم اندکی دیگر نوازندگی کرده و آقای نجاشی هم با او یاری می کند.

ترانه الهه:

کنون که مجلس آرای رقیبانی	کنون که شمع شب های رقیبانی
روم که سرب صحرای بگذارم	به روی عشق خود بگذارم
چه بگویم که در جبرانم را تو ندانی	چه نویسم که نامدی مجبوران تو خوانی
به غیر دشت بی کرانی نبود پیمان سراب عشق مادرینا	به جز فغانی جدایی نبود حر برک کتاب عشق مادرینا
با من اکنون که عمر بی امان گذشته	مهربان شو که من جهان گذشته
وقت آن شد که لب بیندم از نجات	کار من از آه و فغان گذشته
خدا تو را نکمیر و ز جمع بی وفایان	که تا بد بسوزد روان آشنایان
گر بگذاری نجات تو را به دل نهفته دارم	بگذر از من که من بسی حکایت نگفته دارم
با من اکنون که عمر بی امان گذشته	مهربان شو که من جهان گذشته
وقت آن شد که لب بیندم از نجات	کار من از آه و فغان گذشته

آذرپوش:

نگذشت بر کلی که دلم یاد او نکند	در خون من که بود که دستی فرو نکند
زخم تو حر که دیدم زرم کناره جست	درد تو حر که یافت دو آرزو نکند
ز خار مراد و رخ آرزو نید	بر آستان میکند حر کس که رو نکند

اگر کستر کما سر آهنگ ابتدای برنامه را مجدداً اجرامی کند.

کوینده خانم از رادیو:

شأنه کلی که نشر شده شماره ۲۹۵ بود که با شرکت خانم الهه و آقایان حبیب الهه بدیع و مجید نجاشی تنظیم گردیده، اشعار از صباحی بدیع کلی شاعر قرن دوازدهم، آهنگ دریاچه چهارگاه از آقای حبیب الهه بدیع، ترانه از آقای معینی کرمانشاهی، کوینده آذرپوش.

مدت اجزای برنامه ۱۴ دقیقه و ۵۸ ثانیه است.

توضیحات:

آنچه به سمع و نظر دوستان گهمارسید شانه گل شماره ۲۹۵ بود که با همین شماره به ثبت رسیده، تا آنجا که اطلاع دارم این اثر در گه‌های رنخارنگ اجرائه و اطلاعاتی را که در معرفی دیده می‌شود کامل است و نیازی به اصلاح ندارد. شعر ترانه این اثر در صفحات ۱۹۱ و ۱۹۲ کتاب خواب خوشین از آقای معینی کرمانشاهی آمده است.

توجه: کلیه مطالب مندرج در بالا توسط محقق محترم جناب استاد علیرضا دربندی تهیه شده که شامل بررسی کامل برنامه و توضیحات افزوده شده شخص ایشان می‌باشد. جای دارد که سپاس فراوانمان را نشر ایشان بنماییم زیرا که نتیجه سالها زحمات خویش را وقف عموم کرده اند. در خاتمه از دوستانی که جهت تصحیح و تکمیل این مطالب مایل به همکاری هستند تقاضا می‌کنم از طریق آدرس ایمیل Asheghane1golha@gmail.com با ایشان تماس حاصل نمایند.

مسعود نوین فرحبخش